



حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان Communist (Maoist) Party of Afghanistan (CMPA)

استراتژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور عبارت است از استراتژی جنگ خلق. (اساسنامه مصوب سومین کنگره سراسری حزب)



توپخانه سنگین امپریالیزم را درهم بشکنیم!

ونزوئلا و وظیفه انترناسیونالیستی

تحولات اخیر در ونزوئلا، که با مداخله مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های امپریالیستی و تشدید فشارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی همراه شده است، بار دیگر ماهیت واقعی نظام سرمایه‌داری-امپریالیستی را عریان می‌سازد. آنچه امروز در این کشور جریان دارد، نه حادثه‌ای استثنایی و نه صرفاً نتیجه ناکارآمدی یا بحران داخلی، بلکه جلوه‌ای مشخص از قانون عام سلطه امپریالیستی در دوران بحران عمومی سرمایه‌داری جهانی است.

مارکس و انگلس در مانیفست حزب کمونیست، منطق درونی این سلطه را با دقتی علمی چنین صورت‌بندی کردند:

«ارزانی کالاهای بورژوازی همان توپخانه سنگینی است که با آن، همه دیوارهای چین را درهم می‌کوبد و سرسخت‌ترین دشمنی بیگانگان بربرها را به تسلیم وامی‌دارد. بورژوازی همه ملت‌ها را، اگر نخواهند به ورطه نابودی افتند، ناگزیر می‌سازد شیوه تولید بورژوایی را بپذیرند؛ آنان را مجبور می‌کند آنچه خود تمدن می‌نامد در میان خویش برقرار سازند، یعنی خود بورژوا شوند. به یک کلام، جهانی می‌آفریند به صورت و سیرت خویش.»

امپریالیزم معاصر، به مثابه بالاترین و انگلی‌ترین مرحله سرمایه‌داری، این «توپخانه سنگین» را از سطح کالایی فراتر برده و آن را با مجموعه‌ای از ابزارهای خشن و عریان تکمیل کرده است: تحریم‌های فراگیر، محاصره مالی، جنگ رسانه‌ای و روانی، مداخله سیاسی، و در نهایت تجاوز نظامی مستقیم!

و اما؛ منطق همان منطق تاریخی سرمایه است: یا انقیاد در برابر نظم جهانی سرمایه، یا حذف، بی‌ثبات‌سازی و ویرانی!

در این چارچوب، ونزوئلا نه به دلیل «دفاع از دموکراسی»، نه به بهانه «مبارزه با مواد مخدر» و نه از سر «نگرانی‌های بشردوستانه»، بلکه به سبب جایگاه راهبردی خود در معادلات انرژی (303 میلیارد بشکه نفت بالاترین سطح تولید در جهان) و جایگاه ژئوپولیتیک، و به دلیل تلاش — حتی محدود و متناقض — برای فاصله‌گیری از ادغام کامل در نظم امپریالیستی آمریکا، هدف تهاجم قرار گرفته است.

تجاوز عریان نظامی امپریالیزم آمریکا به ونزوئلا ادامه سیاست مداخله‌گرانه آنان است؛ با تکیه بر پیشینه تاریخی در می‌یابیم که در سال 2019 زمانی که رئیس پارلمان ونزوئلا (خوان گوایدو) به دلیل بحران ریاست جمهوری و اعلام گسترده تقلب در انتخابات سال 2018، و طبق قانون اساسی آن کشور، خود را رئیس جمهور موقت اعلام کرد، امپریالیزم آمریکا و پنجاه کشور طرفدارش بلافاصله او را بعنوان رئیس جمهور موقت مشروع به رسمیت شناختند و اعلام نمودند که دولت مادورو به دلیل اینکه انتخابات ریاست جمهوری 2018 خیلی از دولت‌های غربی را قانع نکرده و آزاد و منصفانه نبوده است مشروعیت ندارد. همین کار کافی بود که رئیس پارلمان ونزوئلا علیه "مادورو" با حمایت مستقیم امپریالیزم آمریکا تحریک گردد و مردم را علیه "مادورو" به جاده‌ها بکشاند. دولت آمریکا با دیدگاه پارلمان ونزوئلا که تحت کنترل مخالفان "مادورو" بود موافقت کرد که "گوایدو" باید قدرت انتقالی را به عهده بگیرد. این حمایت یک حمایت رسمی و دیپلماتیک بود و نه یک حمایت نظامی مستقیم. با این کار چین و روسیه به دلایل ژئوپولیتیک و اقتصادی ونزوئلا در حمایت از "مادورو" به تعهدات سرمایه‌گذاری و همکاری‌های نفتی و اقتصادی خود ادامه دادند و در مقابل فشارهای سنگین واشنگتن موضع

متحد اتخاذ نموده و از «حق حاکمیت ملی» ونزوئلا دفاع نمودند. و «مادورو» به حمایت سوسیال امپریالیزم چین و امپریالیزم روسیه و ایران به سرکوب و کشتار دست زد و هزاران فامیل ونزوئلایی را مجبور به مهاجرت به کشورهای همسایه نمود.

عوامل داخلی و خارجی ونزوئلا بطور نمونه حمایت بخش بزرگی از ارتش و نهادهای امنیتی از «مادورو»، در اختیار داشتن بخش اعظم دولت و ساختار قضائی در دست «مادورو» و حمایت شمار زیادی از کشورها از قبیل سوسیال امپریالیزم چین، امپریالیزم روسیه، ایران، ترکیه و ... منجر گردید که «مادورو» تا پیش از دستگیری در جنوری 2026 همچنان در قدرت بماند و این پشتیبانی بین المللی بخش مهمی از تثبیت قدرت «مادورو» بود و باعث شد «گوایدو» رئیس پارلمان نتواند واقعا کنترل اجرایی کشور را به دست بگیرد.

عوامل ملی و بین المللی ونزوئلا کافی بود که امپریالیزم لجام گسیخته آمریکا بخاطر غارت و چپاول آن کشور تمام ابزارهای فشار خود را به کارگیرد و با شعارها و بهانه های متعدد تحت عناوین « مبارزه با قاچاق مواد مخدر» که نمونه بارز آن را در حمله به قایق های مظنون به حمل مواد مخدر در دریای کارائیب بخشی از این مبارزه را توجیه کرده است و یا شعار «دفاع از دموکراسی و انتخابات مشروع»، «مقابله با تروریسم و گروه های جنائی»، «امنیت ملی و منطقه ای»، «کنترل منابع انرژی»، «سیادت بر ونزوئلا بخاطر رفاه اجتماعی مردم آن» و «نجات مردم ونزوئلا از چنگال دیکتاتوری» تجاوز عریان خود را به افکار عمومی جهانی تحمیل نماید؛ در حالی که همین قدرت، همراه با ناتو و متحدان غربی اش، بی وقفه از ارتجاعی ترین و جنایت کارترین نیروهای جهان حمایت می کند. پشتیبانی همه جانبه از رژیم صهیونیستی و شخص نتانیاهاو—که دستش به خون ده ها هزار کودک، زن و مرد فلسطینی در غزه آلوده است—حمایت از نیروهای ارتجاعی و مزدور در سوریه، و سازش و همکاری عملی با رژیم قرون وسطی امارت اسلامی طالبان در افغانستان، تنها نمونه هایی روشن از این ریاکاری ساختاری اند. برای امپریالیزم، «حقوق بشر» نه اصل، بلکه ابزار است؛ ابزاری برای مشروع سازی تجاوز، سلطه و غارت.

تجربه تاریخی نشان می دهد که دستگیری و ربایش رهبران سیاسی کشورهای تحت ستم، پدیده ای استثنایی یا تصادفی نیست، بلکه بخشی پایدار از کارنامه ددمنشانه و سبعمانه امپریالیزم هار و لجام گسیخته است. از دستگیری صدام حسین پس از اشغال نظامی عراق در سال 2003، تا ربایش و محاکمه رئیس جمهور هندوراس در دادگاه های فدرال ایالات متحده، و نیز دستگیری مانوئل نوریگا، رهبر نظامی پاناما، در پی تجاوز نظامی سال 1989—همه نمونه هایی روشن از شکستن آگاهانه مرزهای بین المللی، نقض حاکمیت ملی کشورها و بی اعتنائی کامل امپریالیزم به همان «قوانین» و «نهادهای بین المللی» اند که خود مدعی پاسداری از آنهاست. این اقدامات نه از موضع عدالت، بلکه از منطق قدرت عریان سرچشمه می گیرند: هر جا که منافع هژمونیک امپریالیزم اقتضا کند، قانون، مرز، حاکمیت و حتی متحدان دیروز، همگی به سادگی قربانی می شوند. از منظر مائوئیستی، این رفتارها بیانگر مرحله ای از تشدید تضادهای درونی امپریالیزم اند؛ مرحله ای که در آن، در شرایط بحران ساختاری و رقابت فزاینده ذات البینی، قدرت های امپریالیستی برای حفظ موقعیت هژمونیک خود، ناگزیر به توسل هرچه عریان تر به زور، تجاوز و قانون شکنی در مقیاس جهانی می شوند.

از منظر مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی، مسئله اصلی در ونزوئلا، همچون بسیاری از کشورهای تحت ستم، تضاد میان خلق و امپریالیزم است. این تضاد، تضاد مسلط دوران ماست. با این حال، تشخیص این واقعیت به هیچ وجه به معنای چشم پوشی از تضادهای طبقاتی درون جامعه ونزوئلا یا دفاع بی قید و شرط از دولت های بورژوازی نیست. برعکس، وظیفه انترناسیونالیستی تمامی کمونیست های (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست) تشخیص دیالکتیکی هم زمان این سطوح از تضاد است:

از یک سو ایستادگی قاطع در برابر تجاوز و مداخله امپریالیستی، و از سوی دیگر تأکید بر ضرورت استقلال سیاسی و طبقاتی پرولتاریا و توده های زحمتکش.

هرگونه رویکردی که به بهانه «نقد دولت» در کنار پروژه های امپریالیستی قرار گیرد، یا به نام «ضدامپریالیزم» به دنباله روی از دولت های بورژوازی فروغلتد، انحرافی آشکار از موضع انقلابی پرولتری است. رهایی واقعی خلق ونزوئلا نه از مسیر مداخله خارجی می گذرد و نه از راه بازتولید همان مناسبات سرمایه دارانه با چهره ای بومی؛ بلکه تنها از طریق مبارزه مستقل طبقاتی، سازمان یابی انقلابی و گسست آگاهانه از نظم امپریالیستی ممکن است.

آنچه امروز در ونزوئلا رخ می‌دهد، هوشداری است برای همهٔ خلق‌های جهان. امپریالیزم می‌کوشد در شرایط تشدید بحران و رقابت‌های جهانی، بار دیگر جهان را «به صورت و سیرت خویش» بازسازی کند. اما تاریخ نشان داده است که هر جا توده‌ها آگاهانه، سازمان‌یافته و با افق انقلابی به میدان آمده‌اند، این نظم تحمیلی را به چالش کشیده‌اند.

وظیفهٔ انترناسیونالیستی مائوئیست‌ها در این شرایط روشن است:

افشای بی‌امان امپریالیزم، ایستادگی در کنار خلق‌های تحت ستم، و تجهیز تئوریک و سیاسی نیروهای انقلابی برای نبردی طولانی، پیچیده و اجتناب‌ناپذیر. این، تنها پاسخ شایسته به «توپخانهٔ سنگین» سرمایه است.

زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی خلق‌ها!

مرگ بر امپریالیزم!

خلق‌ها، و نه امپریالیست‌ها، آینده را رقم خواهند زد!

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

24 جدی 1404 (14 جنوری 2026)

www.cmpa.io

sholajawid@cmpa.io || sholajawid2@hotmail.com